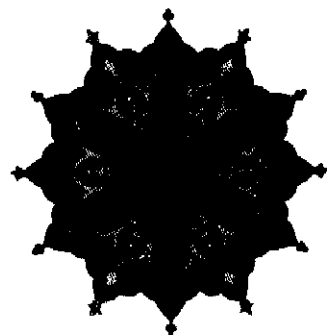


فرهنگ مالیاتی و بررسی آن در میان جامعه پزشکان شمال شهر تهران



(از صفحه ۷۲ تا ۹۲)

دکتر هاشم نیکومرام^۱
دکتر اسماعیل کاوسی^۲
غلامرضا قبله‌وی^۳

چکیده:

این مقاله در راستای تبیین فرهنگ مالیاتی در میان جامعه‌ی پزشکان شمال شهر تهران نخست به اهمیت مالیات و نقش آن در تأمین مخارج عمومی دولت‌ها پرداخته و وضعیت آن در کشورهای پیشرفته و ایران را تشریح می‌کند، سپس مفهوم فرهنگ مالیاتی توصیف و به بیان مسئله تحقیق پرداخته می‌شود. در ادامه ضمن ارائه اهداف تحقیق، سوالات و روش تحقیق، مدل تحلیلی تحقیق مطرح و متغیرهای تحقیق در سه دسته، عوامل عمومی فرهنگ مالیاتی، عوامل بازدارنده (موانع) فرهنگ مالیاتی و عوامل پیش‌برنده (مؤثر) فرهنگ مالیاتی معرفی و به دنبال آن ضمن توصیف جامعه و نمونه‌ی آماری چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌ها و نهایتاً نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق ارایه می‌گردد.

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش مشخص می‌گردد که بین فرهنگ مالیاتی پزشکانی که عضو هیأت علمی دانشگاه می‌باشند با آنهایی که عضو هیأت علمی دانشگاه نیستند تفاوت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، مالیات، فرهنگ مالیاتی، عوامل عمومی فرهنگ مالیاتی، موانع فرهنگ مالیاتی، عوامل مؤثر در فرهنگ مالیاتی.

nikoomaram@srbiau.ac.ir

۱- دانشیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۲- استادیار، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۳- کارشناس ارشد فرهنگی، فارغ‌التحصیل از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

در کلیه جوامع بشری به منظور تأمین مخارج عمومی دولت و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی و برای پیشرفت و توسعه و عمران و آبادی کشور برحسب استطاعت مالی سهمی از درآمد هر فرد به عنوان مالیات اخذ و به حساب خزانه دولت واریز می‌شود. در حالی که در اکثر کشورهای دنیا تا حدود ۹۰٪ از منابع مالی از طریق مالیات وصول می‌شود و ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی را مالیات تشکیل می‌دهد. کشور ما در نیم قرن اخیر تاریخ پرفراز و نشیبی را از نظر مالیات پشت سر گذاشته که مهم‌ترین آن‌ها فرار مالیاتی بوده است. متأسفانه حدود ۳۰٪ هزینه‌های کشور از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌گردد و نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی حدود ۵/۵ درصد است که رقم بسیار اندک و خود بیانگر میزان فرار مالیاتی و یا به تعبیری عدم وجود فرهنگ پرداخت مالیات می‌باشد.

«در اکثر کشورهای در حال توسعه دستگاه اداری مالیات‌ها از کارایی لازم برخوردار نبوده و مسائل فرار مالیاتی بسیار گسترده است. ضعف مدیریت مالیاتی در این کشور ناشی از عوامل متعددی است که از آن جمله می‌توان به قوانین و روش‌های مالیاتی با پیچیدگی زاید، سامانه‌های اطلاعاتی نارسا، فساد و دخالت‌های سیاسی اشاره کرد. یک معیار دقیق جهت اندازه‌گیری کارایی مدیریت مالیاتی درجه تمکین مودیان یعنی فاصله بین درآمدهای بالفعل و بالقوه مالیاتی است» (دام برد و کاساتگرارد، ۱۳۷۵: ۵).

«در بررسی‌های مربوط به ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور مشخص می‌شود که شکاف قابل توجهی میان ظرفیت بالقوه و وصولی‌های بالفعل مالیاتی وجود دارد. به عبارت دیگر، در شرایط فعلی با از بین بردن نارسایی‌های مالیاتی امکان افزایش درآمدهای مالیاتی وجود دارد. بررسی‌های مختلف نشان داده که عدم کارایی نظام مالیاتی کشور در هر یک از مراحل جمع‌آوری اطلاعات، تشخیص و وصول آشکار می‌شود این نارسایی‌ها را می‌توان در سه گروه مشکلات سازمانی، مشکلات قانونی (قوانین موجود مالیاتی) و مشکلات ساختار طبقه‌بندی کرد. بدون از بین بردن مشکلات فوق سیستم مالیاتی کنونی قادر به تأمین بخش عمده‌ای از درآمد دولت نخواهد بود» (فهیم یحیایی، ۱۳۷۰: ۳۱). بر این اساس لازم است

ضمن پرداختن به مسائل فرهنگی موجود در نظام مالیاتی، مودیان، اتخاذ روش‌ها و تدابیری در جهت رفع مشکلات آن روش‌های جدید مالیاتی را نیز شناخت تا در صورت قابل توجه و منطقی بودن مورد استفاده نظام مالیاتی قرار گیرد.

مالیات مهم‌ترین منبع درآمد برای تأمین بودجه دولت محسوب می‌شود، دولت‌ها در راستای دستیابی به توسعه همه‌جانبه نیاز مبرم به منابع مالی دارند که مالیات بهترین ابزار تأمین این منابع است، هیچ اقتصادی نمی‌تواند بی‌نیاز از مالیات باشد همواره بخشی از درآمدهای مالیاتی دولت به علت فرار مودیان مالیاتی تحقق نمی‌یابد. همواره افراد مالیات را پول زور می‌داند و غالباً وقتی صحبت از مالیات به میان می‌آید، یک تصور منفی از آن داشته و این مقوله را مورد حمله قرار می‌دهند و اظهار می‌دارند که در قبال مالیات‌های پرداخت شده از سوی دولت چه خدماتی ارائه می‌گردد تا نسبت به پرداخت واقعی آن اقدام نمائیم.

البته بایستی متذکر شد که در عصر کنونی تعداد افرادی که تمایل به پرداخت مالیات به صورت داوطلبانه داشته باشند اندک هستند اما از طرفی نظام دقیق و تقریباً کامل مالیاتی برخی از کشورها مانع از فرار مالیاتی به میزان قابل توجهی گردیده است.

«تمکین به مفهوم پای‌بند مودیان به تکالیف مالیاتی خود هدفی است که همه‌ی سامانه‌های مالیاتی جهان در آرزوی تحقق آنند و این مهم تحقق نمی‌آید مگر با اشاعه‌ی فرهنگ مالیاتی و فرهنگ داوطلبانه پرداخت مالیات» (عرب مازار، ۱۳۷۳: ۱۴).

بایستی توجه داشت که هنوز فرهنگ مالیاتی در جامعه ما به حد کافی گسترش نیافته، طبعاً لازمه این موفقیت تغییر بنیادی فرهنگی جامعه از طریق ارتقای سطح آگاهی مردم در مورد مالیات است از آن‌جا که اطلاعات و ارتباطات در جامعه کنونی یکی از معیارهای توسعه به شمار می‌آید. امید است با اطلاع‌رسانی شفاف و دقیق در گستره وسیع، توفیقاتی را برای جلب اعتماد مردم و ارتقای سطح فرهنگ مالیاتی به دست آوریم.

بیان مسئله تحقیق

تأمین مالی هزینه دولت از طریق درآمدهای مالیاتی یکی از موضوعاتی است که سال‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه و ایران مورد توجه دولتمردان قرار گرفته است. نقش کلیدی فرهنگ تنها منحصر به اجرای قوانین مالیاتی نیست. در کلیه جوامع دموکراسی میزان رشد و آگاهی مردم نسبت به قوانین و پیامدهای آن باعث هرچه بارورتر شدن نظام‌ها می‌گردد و بدین منظور سیاست‌گذاران این نوع جوامع اعتقاد به ارتباط مستقیم بین فرهنگ و قانون دارند. اگرچه برای رشد فرهنگی در تمام جوامع نمی‌توان معیار ثابتی را پیش‌بینی نمود، چرا که عامل‌های زیادی در تأثیر فرهنگی هر جامعه به طور جداگانه وجود دارد. اما چیزی که در تمام جوامع مشترک است واکنش و تأثیرپذیری قوانین از فرهنگ مربوط به هر جامعه می‌باشد هرچند روح حاکم بر قوانین نمی‌تواند جدای از تفکر مردم درباره‌ی قانون باشد و معمولاً در ایجاد قوانین از عرف و عادات و رسوم نیز بهره گرفته می‌شود. اما باید در نظر داشت در برخورد با پدیده‌های مهم و هماهنگ ساختن طرز تلقی مردم از این واژه مشخص، نیاز به برنامه‌ریزی و آینده‌نگری دارد. این انسان‌ها هستند که جوامع بشری را به حرکت در می‌آورند و اگر در جامعه‌ای انسان‌های لایق و شایسته و فهیم وجود داشته باشند که انگیزه واحدی را رشد و نمو دهند، پیشرفت فکری و صنعتی آن جامعه بسیار سریع و در جهت انگیزه‌های مشترک آنان خواهد بود. ایجاد وحدت فکری تابع شرایط خاص اجتماعی و یا سیاسی است و گاه نیازمند تبلیغات و القاء یک فرهنگ در میان مردم و بعضاً مستلزم آموزش از سطوح پایین و افراد در حال رشد خواهد بود.

اشاعه فرهنگ پرداخت مالیات در جامعه نیاز به سرمایه‌گذاری و آگاهی دادن مردم به نتایج و آثار مثبت آن دارد. مردم باید حس کنند که پرداخت مالیات یک نوع مشارکت ملی برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی و عظمت و اقتدار کشور است که تبعات مثبت آن در نهایت به آحاد افراد جامعه برمی‌گردد. میزان همکاری افراد یک جامعه با دولت و تمایل آنها به پرداخت داوطلبانه مالیات‌های قانونی از یک سو به درجه رشد اجتماعی و از دیگر سو به میزان اعتماد آنان نسبت به دولت بستگی دارد و تنها در چنین شرایطی است که مردم

اظهارنامه دادن را نشان قانون خود دانسته و پرداخت به موقع مالیات و بها دادن به دستگاه مالیه کشور را یاری نمودن دولت در قبال برنامه‌های اقتصادی خواهند دانست. امروزه تبلیغات عامل مهمی در تلقین و ایجاد انگیزه می‌باشد. منظور از تبلیغات در راستای بهبود فرهنگ مالیاتی، نشان دادن اثرات مالیات بر عموم مردم است. اگر دستگاه آموزش و پرورش ساخت مدرسه توسط مردم را دارای اجر معنوی می‌داند و به دنبال آن مردم خیر در این طریق همت می‌گمارند، پس می‌توان مطمئن شد در صورتی که مدرسه‌ای توسط دولت و از محل مالیات‌های مردمی ساخته شود و به روش‌های مختلف به آگاهی مردم رسانیده شود، این امر گام مهمی در جلب رضایت مردم خواهد بود و از سوی دیگر جهت رشد و بهبود این فرهنگ، مأمورین مالیاتی با برخورد مناسب با مودیان مالیاتی و توضیح شرایط اقتصادی علاوه بر دارا بودن دانش‌های لازم می‌بایست نقش مالیات در بهبود جامعه را متذکر شده تا بتوان چرخه اخذ مالیات را به شکل مطلوبی به حرکت درآورد تا زمانی که مردم پرداخت مالیات را به عنوان یک فرهنگ نپذیرند و آن را به عنوان دین خود به جامعه ندانند و آثار مثبت این منبع مهم درآمدی دولت را نشانند نظام مالیاتی در تحقق وظایفش موفق نخواهد شد.

به هر صورت در این نوشتار سعی خواهد شد تا این سنوال پاسخی در خور بیابد: فرهنگ مالیاتی چیست؟ و وضعیت فرهنگ مالیاتی در میان جامعه پزشکان چگونه است؟ البته انتخاب جامعه پزشکان به آن دلیل بوده است که با بررسی و مطالعه اولیه مشخص گردید که بیشتر اختلاف و مشکل نظام مالیاتی با این گروه از مودیان می‌باشد و انتخاب شمال تهران به دلیل درآمد بالای پزشکان بوده است.

اهداف تحقیق

- ۱- شناخت عوامل مؤثر در افزایش فرهنگ مالیاتی.
- ۲- شناخت موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی.

- ۳- شناخت تفاوت فرهنگ مالیاتی میان پزشکان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها با پزشکان غیر عضو هیأت علمی.
- ۴- بررسی فرهنگ مالیاتی پزشکان با توجه به سطح تخصص آنها، از حیث پزشک عمومی، پزشک متخصص، پزشک فوق تخصص.

سؤال اصلی تحقیق

فرهنگ مالیاتی چیست و وضعیت آن در میان جامعه پزشکان شمال شهر تهران چگونه است؟

سئوالات فرعی

- (۱) عوامل مؤثر در افزایش فرهنگ مالیاتی کدامند؟
- (۲) موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی کدامند؟
- (۳) آیا تفاوتی میان فرهنگ پزشکی که عضو هیأت علمی دانشگاه هستند با آنهایی که عضو هیأت علمی دانشگاه نیستند وجود ندارد؟
- (۴) آیا فرهنگ مالیاتی پزشکان ارتباطی با سطح تخصص آنها دارد؟

روش تحقیق

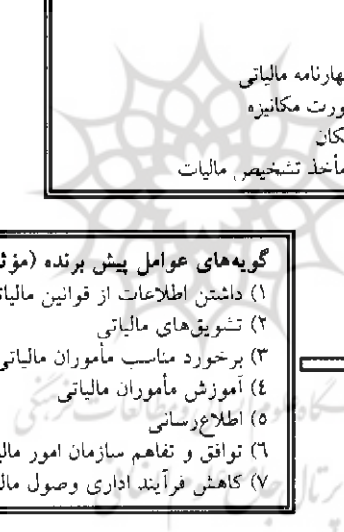
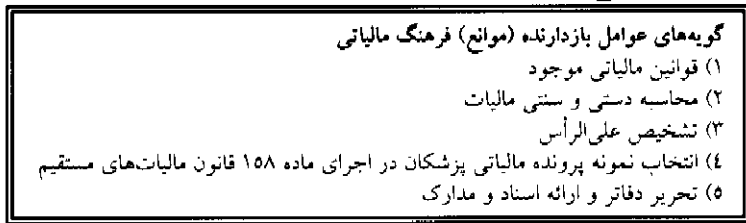
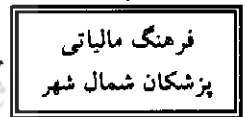
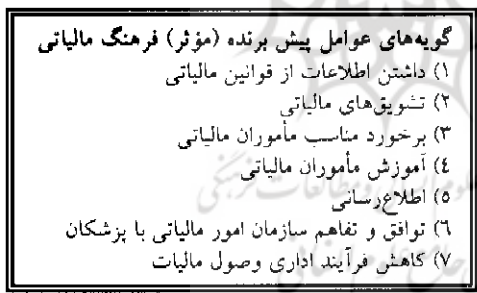
با استناد به موضوع پژوهش که بر محور بررسی و توصیف وضعیت فرهنگ مالیاتی در میان جامعه پزشکان شمال تهران است متغیر مستقل یا اثرگذار در این پژوهش شامل عوامل بازدارنده (موانع) عوامل پیش برنده (مؤثر) و عوامل عمومی در سه سطح مشخص شده است. متغیر وابسته (عامل اثرپذیر) عبارت است از فرهنگ مالیاتی، متغیر تعدیل‌کننده یا متغیر مستقل ثانوی جامعه پزشکان است که دارای سطوح پنجگانه اعم از پزشکان عضو هیأت علمی، پزشکان غیر هیأت علمی، پزشکان دارای فوق تخصص، پزشکان متخصص و پزشکان عمومی می‌باشد.

از آن‌جا که پرسش‌نامه سنجش فرهنگ مالیاتی دارای شاخص و مؤلفه می‌باشد که از متغیر و جنس گسسته و مقیاس اندازه‌گیری آن اسمی رتبه‌ای است و هم‌چنین تأکید بر انتخاب نمونه‌های تصادفی و اجرای پرسش‌نامه‌ها به صورت میدانی، پژوهش حاضر در قالب نظرسنجی فرهنگ مالیاتی براساس روش تحقیق توصیفی تنظیم و اجرا شده است. در ادامه گویه‌های عوامل عمومی، عوامل پیش برنده (مؤثر) و عوامل بازدارنده (موانع) فرهنگ مالیاتی در قالب مدل تحلیلی تحقیق ارائه می‌گردد:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدل تحلیلی تحقیق



جامعه آماری

جامعه آماری به کل گروه افراد، وقایع یا چیزهایی اشاره دارد که محقق می‌خواهد به تحقیق درباره آنها بپردازد (اوماسکاران، ۱۳۸۰: ۲۹۴).

آحاد جامعه آماری دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که آنها را از سایر پدیده‌های خارج از قلمرو جامعه آماری مشخص می‌سازد.

جامعه آماری این پژوهش را پزشکیان شمال شهر تهران که در حوزه مالیاتی اداره کل امور مالیاتی شمال تهران دارای پرونده مالیاتی بوده‌اند تشکیل می‌دهد که تعداد آنان ۴۵۵۰ نفر است.

لازم به توضیح است که با توجه به توصیه‌های کارشناسان و مدیران مالیاتی پزشکیان براساس نقل و انتقال، تعدادی از این پزشکیان به نقاط دیگر شهر تهران منتقل شده‌اند. بنابراین فهرست اسامی تصادفی براساس جدول اعداد تصادفی به صورت جایگزین انجام شده است.

حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه از جدول تعیین حجم نمونه گرجسی و مورگان استفاده شده است که با توجه به حجم آماری ۴۵۵۰ نفر حجم نمونه ۳۵۶ نفر انتخاب شده‌اند.

روش گردآوری اطلاعات

روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف) روش کتابخانه‌ای

روش کتابخانه‌ای بدین صورت بوده است که با استفاده از کتب، مجلات، مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه‌ها و مراکز علمی جهت بخش مقدماتی و ادبیات تحقیق و همچنین آشنایی با پیشینه تحقیق استفاده شده است.

ب) روش میدانی

روش میدانی جمع‌آوری اطلاعات برای تأیید سنوالات تحقیق است که از طریق توزیع پرسشنامه، اطلاعات موردنظر گردآوری و به منظور تجزیه و تحلیل استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

روش تحقیق توصیفی (پیمایشی) است و برای گردآوری اطلاعات از متداول‌ترین روش گردآوری اطلاعات میدانی یعنی پرسشنامه استفاده شده که با توجه به سنوالات تحقیق به طریق مقیاس لیکرت با گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم تنظیم شده است. در صورت نیاز امتیازبندی گزینه‌ها با عددهای ۴ و ۳ و ۲ و ۱ از خیلی زیاد تا خیلی کم داده خواهد شد.

۱) سنوالات شناختی

هدف از طرح آنها کسب اطلاع از ویژگی‌های پزشکان است که به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند، خصوصیات شخصی این افراد شامل: میزان تحصیلات، تخصص، نوع تخصص، سابقه کار، سن، جنس و عضویت در هیأت علمی دانشگاه است.

۲) سنوالات جهتی

هدف از طرح این‌گونه سنوالات مشخص کردن دانش، علایق، طرز تلقی، نگرش و عقاید افراد نمونه نسبت به موضوع مورد سؤال بوده که قسمت اعظم پرسشنامه را شامل گردیده و در قالب انتخاب طیف لیکرت تنظیم شده است. تعداد این سنوالات ۲۹ پرسش می‌باشد.

۳) استخراج عامل‌ها براساس اجرای تحلیل عامل

آزمون تحلیل یافته آماری به این معنا استفاده شده است که مقایسه یک متغیر از لحاظ تفاوت یا تشابه با متغیر دیگر به توصیف و تصویر کشیده شود که آیا رابطه‌ای وجود دارد یا

خیر؟ و تحلیل آماری صرفاً برای برآورد این احتمال مورد استفاده قرار گرفته است که آیا عاملی غیر از عامل تصادف (خطای نمونه‌گیری) رابطه‌ی ظاهری را ایجاد کرده است یا نه. بنابراین تحلیل، تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچک‌تری از ابعاد پنهان یا مکنون امکان‌پذیر می‌سازد و هدف عمده آن رعایت اصل اقتصاد و صرفه‌جویی از طریق کاربرد کوچک‌ترین مفاهیم تبیین‌کننده به منظور تبیین بیشینه مقدار واریانس در ماتریس همبستگی دارد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه فرهنگ مالیاتی و بررسی وضعیت آن در جامعه پزشکان شمال شهر تهران، فراوانی و درصد حجم گروه‌های مورد مطالعه (هیأت علمی و سطح تخصص) با نمودار ستونی مقایسه‌ای ترسیم شده است.

هدف از تحقیق تعیین سازه‌های فرهنگ مالیاتی برای بیان توصیف آن می‌باشد. جهت رسیدن به این هدف تست‌های در زمینه عوامل فرهنگ مالیاتی بیان توصیف برای آزمودنی‌ها ساخته شد و به خاطر تأثیر احتمالی فرهنگ مالیاتی بر روی سازه‌های این کارکردها، این تحقیق در سطح مبتدی، متوسط و پیشرفته فرهنگ مالیاتی انجام شد. سؤال تحقیق این بود که آیا فرهنگ مالیاتی بیان توصیف در سطوح مختلف فرهنگ مالیاتی دارای سازه‌های متفاوت است یا یکسان؟ برای آزمون فرضیه صفری که برای سؤال تحقیق بیان شد، از چند روش آماری استفاده شد. علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی شامل همبستگی، آنالیز واریانس و تجزیه و تحلیل عامل نیز استفاده شده است.

از آزمون تحلیل یافته‌های آماری به این منظور استفاده شده است که مقایسه یک تغییر از لحاظ تفاوت تا تشابه به متغیر دیگر به توصیف و تصویر کشیده شود که آیا رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ و تحلیل آماری صرفاً برای برآورد کردن این احتمال مورد استفاده قرار گرفته است که آیا عاملی غیر از عامل تصادف (خطای نمونه‌گیری) رابطه‌ای ظاهری را ایجاد کرده است یا نه. از آنجا که براساس فرض صفر گفته می‌شود که رابطه‌ای بین دو متغیر وجود

ندارد (متغیرها مستقل از یکدیگرند) بنابراین تحلیل مذکور صرفاً این احتمال را ارزیابی می‌کند که تفاوت‌های مشاهده شده ناشی از عامل تصادف است یا واقعاً ناشی از اختلاف‌نظر بین نمونه‌های پژوهشی است. برای آزمون فرضیه‌های اصلی، فرعی اول و دوم از آزمون ناپارامتریک کا ۲ و فریدمن و جهت آزمون فرضیه فرعی سوم از آزمون پارامتریک مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل ۱ (هیأت علمی و غیر هیأت علمی) و همچنین برای آزمون فرضیه چهارم (سطوح تخصص) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) با توجه به سه گروه مستقل (پزشک عمومی - تخصص - فوق تخصص) استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و تست فرضیه‌ها

سؤال اصلی

عوامل فرهنگی مالیاتی کدامند و وضعیت آن در میان جامعه پزشکان شمال تهران چگونه است؟

فرضیه

بین عوامل فرهنگ مالیاتی و وضعیت آن در میان جامعه پزشکان شمال تهران تفاوت وجود دارد. در پاسخ به این سؤال پژوهشی که «وضعیت فرهنگ مالیاتی در میان جامعه پزشکان چگونه است؟

نخست با استناد به مقدار χ^2 به دست آمده $\chi^2 = 50.77/80.7$ گزارش کرد که:

$$(\chi^2 = 50.77/80.7; df = 28; P < 0.05)$$

بین عوامل فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکان از لحاظ آماری با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. آزمون رتبه‌بندی انجام شده نشان دهنده آن است که:

(۱) داشتن اطلاعات از قوانین مالیاتی به حد بسیار زیاد در اشاعه فرهنگ مالیاتی مؤثر است.

(۲) تشخیص علی‌الرأس بزرگ‌ترین مانع توسعه فرهنگ مالیاتی است.

(۳) پرداخت مالیات عامل مؤثری در جهت پیشرفت جامعه تلقی می‌شود.

(۴) محاسبه دستی و سنتی مالیات مانع بزرگی در توسعه‌یافتگی در فرهنگ مالیاتی است.

۵) کاهش فرآیند اداری وصول مالیات عامل مؤثر در پیشرفت فرهنگ مالیاتی است. در جامعه پزشکان کم اهمیت‌ترین عامل عبارت است از تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک و تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر.

با استناد به مقادیر محاسبه شده ($\chi^2 = 347/890; df = 28; P < 0/05$) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل رتبه‌بندی شده جامعه پزشکان عضو هیأت علمی در خصوص عناصر فرهنگ مالیاتی از لحاظ آماری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌بندی ۲۹ عامل به ترتیب اولویت اول) آشنایی با قانون مالیاتی؛ اولویت دوم) اهمیت و ضرورت پرداخت مالیات؛ اولویت سوم) ارزیابی پرداخت مالیات به عنوان وظیفه ملی و مشارکت در تأمین مخارج دولت؛ اولویت چهارم) تأثیر پرداخت مالیات در جهت پیشرفت جامعه و اولویت پنجم) تأثیر اطلاع از قوانین مالیاتی از عوامل اصلی در فرهنگ مالیاتی است. در مقابل عوامل کم اهمیت‌تر به ترتیب شامل: تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک، عدالت مالیاتی، اعتماد به اداره امور مالیاتی، تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر به ترتیب از عوامل کم اهمیت از نظر این گروه هستند.

با استناد به مقادیر محاسبه شده ($\chi^2 = 4949/620; df = 28; P < 0/05$) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل رتبه‌بندی شده جامعه پزشکان غیر هیأت علمی در خصوص عناصر فرهنگ مالیاتی از لحاظ آماری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌بندی ۲۹ عامل به ترتیب اولویت اول) داشتن اطلاع از قوانین مالیاتی؛ اولویت دوم) تشخیص علی‌الرأس؛ اولویت سوم) پرداخت مالیات در جهت پیشرفت جامعه؛ اولویت چهارم) محاسبه دستی و سستی مالیات؛ اولویت پنجم) کاهش فرآیند اداری وصول مالیات از اولویت‌های پنج‌گانه از اهمیت بالا است و در مقابل کم اهمیت‌ترین عوامل به ترتیب زیر رتبه‌بندی شده‌اند:

۱) تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک؛

۲) قوانین مالیاتی؛

۳) رغبت در پرداخت مالیات؛

۴) تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر؛

۵) عدالت مالیاتی در تشخیص و وصول مالیات

با استناد به مقادیر محاسبه شده ($\chi^2 = 28.69/780; df = 28; P < 0.05$) می‌توان چنین استدلال کرد که بین عوامل فرهنگ مالیاتی پزشکان عمومی از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد، رتبه‌بندی میانگین‌ها مبین اولویت اول: به داشتن اطلاعات از قوانین مالیاتی برای اشاعه فرهنگ مالیاتی است؛ اولویت دوم: بخشودگی جرایم مالیاتی؛ اولویت سوم: تشخیص علی‌الرأس؛ اولویت چهارم: پرداخت مالیات در جهت پیشرفت جامعه؛ اولویت پنجم: مزایای تسلیم به موقع و صادقانه اظهارنامه مالیاتی در اشاعه فرهنگ مالیاتی است. در مقابل تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک به عنوان کم اهمیت‌ترین عامل پزشکان عمومی قلمداد شده است و پس از آن تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر، قوانین مالیاتی موجود اشاعه فرهنگ مالیاتی، رغبت در پرداخت مالیات و رعایت عدالت مالیاتی از کم اهمیت‌ترین عوامل تلقی می‌شوند.

با استناد به مقادیر محاسبه شده ($\chi^2 = 20.20/489; df = 28; P < 0.05$) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکان متخصص از لحاظ آماری تفاوت وجود دارد و براساس رتبه‌بندی عوامل برحسب میانگین‌ها اولویت اول جامعه پزشکان متخصص در خصوص اشاعه فرهنگ مالیاتی به ایجاد حوزه‌های مالیاتی خاص پزشکان اختصاص دارد و پس از آن به ترتیب اولویت دوم: داشتن اطلاعات؛ اولویت سوم: معافیت‌های مالیاتی؛ اولویت چهارم: پرداخت مالیات در جهت پیشرفت جامعه و اولویت پنجم: کاهش فرآیند اداری از مهم‌ترین اولویت‌ها هستند، در مقابل تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک، قوانین مالیاتی موجود تشویقات مالیاتی، رغبت در پرداخت مالیات، اعتماد به اداره مالیات از عناصر کم اهمیت از دیدگاه پزشکان متخصص قلمداد می‌شود.

و همچنین با استناد به مقادیر محاسبه شده ($\chi^2 = 533/770; df = 28; P < 0.05$) می‌توان چنین استنباط کرد که بین عوامل فرهنگ مالیاتی گروه نمونه پزشکان فوق متخصص تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده می‌شود و رتبه‌بندی میانگین‌های به دست آمده نشان‌دهنده آن است که اولویت مهم این جامعه فرهنگ مالیاتی به اهمیت و ضرورت پرداخت مالیات تأکید دارد، پس از این به ترتیب اولویت دوم: تأثیر پرداخت مالیات در جهت پیشرفت

جامعه؛ اولویت سوم: تأثیر بخشودگی جرائم مالیاتی؛ اولویت چهارم: نقش اطلاع‌رسانی و اولویت پنجم: مزایای تسلیم به موقع و صادقانه اظهارنامه مالیاتی را در اشاعه فرهنگ مالیاتی مؤثر می‌دانند. در مقابل نقش کم اهمیت تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک، رعایت عدالت مالیاتی، اعتماد به اداره مالیات، تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر و قوانین مالیاتی موجود از عوامل مخرب اشاعه فرهنگ مالیاتی تلقی شده است.

سؤال فرعی ۱

عوامل پیش برنده (مؤثر) در افزایش فرهنگ مالیاتی کدامند؟

فرضیه

بین عوامل پیش برنده (مؤثر) در افزایش فرهنگ مالیاتی تفاوت وجود دارد.

H: از نظر پزشکیان بین عوامل پیش برنده (مؤثر) بر فرهنگ مالیاتی تفاوت وجود ندارد.

H_۰: از نظر پزشکیان بین عوامل پیش برنده (مؤثر) بر فرهنگ مالیات تفاوت وجود دارد.

چون مقدار $(\chi^2 = 2440/530; df = 16; P < 0/05)$ است، لذا فرض H_۰ رد می‌شود. یعنی بین رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکیان تفاوت آماری معنی‌دار وجود دارد. با استناد به میانگین رتبه‌های آزمون فوق، مؤثرترین عوامل افزایش فرهنگ مالیاتی به شرح ذیل شناسایی شده‌اند:

عامل اول: S_{۱۱} داشتن اطلاعات از قوانین مالیاتی با میانگین رتبه ۱۰/۹۴ مؤثرترین عامل در اشاعه فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکیان است.

عامل دوم: S_{۱۰} پرداخت مالیات در جهت پیشرفت جامعه با میانگین رتبه ۱۰/۸۹.

عامل سوم: S_{۲۲} کاهش فرآیند اداری وصول مالیات با میانگین رتبه ۱۰/۸۴.

عامل چهارم: S_۷ توافق و تفاهم سازمان امور مالیاتی با پزشکیان با میانگین رتبه ۱۰/۸۲.

عامل پنجم: S_{۱۹} مزایای تسلیم به موقع و صادقانه اظهارنامه مالیاتی با میانگین رتبه ۱۰/۶۳.

عامل ششم: S_{۱۵} بخشودگی جرائم مالیاتی با میانگین رتبه ۱۰/۳۹.

عامل هفتم: S_{18} اطلاع‌رسانی با میانگین رتبه ۱۰/۳۴.

عامل هشتم: S_{19} ایجاد حوزه‌های مالیاتی خاص پزشکان با میانگین رتبه ۱۰/۳۲.

عامل نهم: S_{16} برخورد مناسب مأموران مالیاتی با پزشکان با میانگین رتبه ۱۰/۲۲.

عامل دهم: S_{17} آموزش مأموران مالیاتی با میانگین رتبه ۹/۸۴.

جالب توجه این‌که S_7 اعتقادات مذهبی در پرداخت مالیات با میانگین رتبه ۵/۶۶ و S_{14} اخذ جرائم مالیاتی با میانگین رتبه ۵/۴۲ و S_{13} تشویقات مالیاتی با میانگین رتبه ۵/۳۰ و S_{23} قوانین مالیاتی موجود با میانگین رتبه ۳/۵۹ از کم اهمیت‌ترین و کم اثرترین عامل مؤثر در افزایش فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکان می‌باشند.

سؤال فرعی ۲

عوامل بازدارنده (موانع) ارتقاء فرهنگ مالیاتی کدامند؟

فرضیه

بین عوامل بازدارنده (موانع) ارتقاء فرهنگ مالیاتی تفاوت وجود دارد.

H_0 : از نظر پزشکان بین موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی تفاوت وجود ندارد.

H_1 : از نظر پزشکان بین موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی تفاوت وجود دارد.

چون مقدار $(\chi^2 = 2214/267; df = 11; P < 0/05)$ است، لذا فرض H_0 رد می‌شود. یعنی بین رتبه‌بندی موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی جامعه پزشکان تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. با استناد به میانگین رتبه‌های آزمون فوق، مؤثرترین موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی در جامعه پزشکان به شرح ذیل شناسایی شده‌اند:

عامل اول: S_{27} تشخیص علی‌الرأس با میانگین رتبه ۹/۰۸ را بزرگ‌ترین مانع توسعه فرهنگ مالیاتی در جامعه پزشکان قلمداد نمود.

عامل دوم: محاسبه دستی و سنتی مالیات با میانگین رتبه ۹/۰۶.

عامل سوم: S_2 ضرورت و اهمیت پرداخت مالیات با میانگین رتبه ۸/۸۳.

عامل چهارم: S_{28} انتخاب نمونه پرونده مالیاتی پزشکان در اجرای ماده ۱۵۸ قانون مالیات‌های مستقیم با میانگین رتبه ۸/۷۱.

عامل پنجم: S_9 اعتقاد به پرداخت مالیات با میانگین رتبه ۹/۹۷

از دیدگاه پاسخ‌دهندگان S_7 آشنایی با قوانین مالیاتی با میانگین رتبه ۵/۳۵، S_4 اعتماد به اداره امور مالیاتی با میانگین رتبه ۴/۴۴، S_5 رعایت عدالت مالیات در تشخیص و وصول مالیات با میانگین رتبه ۴/۴۴، S_6 رغبت در پرداخت مالیات با رتبه ۴/۲۲، S_1 تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر با میانگین رتبه ۳/۸۹، S_{29} تحریر دفاتر و ارائه اسناد و مدارک با میانگین رتبه ۳/۶۷ از دیگر موانع ارتقاء فرهنگ مالیاتی عنوان شده است.

سوال فرعی ۳

آیا تفاوتی بین فرهنگ مالیاتی پزشکان که عضو هیأت علمی دانشگاه هستند با آنهایی که عضو هیأت علمی دانشگاه نیستند وجود دارد؟

فرضیه

بین فرهنگ مالیاتی پزشکان که عضو هیأت علمی دانشگاه هستند با آنهایی که عضو هیأت علمی دانشگاه نیستند تفاوت وجود دارد.

برنده (مؤثر) تفاوت وجود ندارد. $H_0 = x_1 \neq x_2$: بین نظر پزشکان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل پیش

برنده (مؤثر) تفاوت وجود دارد. $H_1 = x_1 \neq x_2$: بین نظر پزشکان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل پیش

چون مقدار $(t=10/388; df=204; P<0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود. یعنی با ۹۵٪ درصد اطمینان بین دو گروه پزشک عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل پیش برنده (مؤثر) تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری مشاهده می‌شود.

بازدارنده (موانع) تفاوت وجود ندارد. $H_0 = x_1 = x_2$: بین نظر پزشکان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل

بازدارنده (موانع) تفاوت وجود دارد. $H_1 = x_1 \neq x_2$: بین نظر پزشکان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل

چون مقدار $(t=1/052; df=354; P<0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود. یعنی با ۹۵٪ اطمینان بین دو گروه پزشک عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل بازدارنده (موانع) تفاوت معنی‌دار آماری وجود دارد.

بازدارنده و پیش برنده تفاوت وجود ندارد. $H_0 = x_1 = x_2$: بین نظر دو گروه نمونه عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل

بازدارنده و پیش برنده تفاوت وجود دارد. $H_1 = x_1 \neq x_2$: بین نظر دو گروه نمونه عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی از لحاظ عوامل

چون مقدار $(t=3/638; df=354; P<0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود و فرضیه مقابل که استدلال تفاوت معنی‌دار است تأیید می‌شود.

سئوال فرعی ۴

آیا فرهنگ مالیاتی پزشکان با سطح تخصص آنها (عمومی - متخصص - فوق تخصص) ارتباط دارد؟

فرضیه

بین فرهنگ مالیاتی پزشکان با تخصص آنها (عمومی - متخصص - فوق تخصص) تفاوت وجود دارد.

$H_0 = x_1 = x_2 = x_3$: بین عوامل پیش برنده (مؤثر) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود ندارد.

$H_0 = x_1 \neq x_2 \neq x_3$: بین عوامل پیش برنده (مؤثر) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود دارد.

چون مقدار $(F(2, 353) = 264/906; P < 0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین واریانس‌های سه گروه نمونه پژوهشی (عمومی - متخصص - فوق تخصص) از لحاظ آماری برحسب عوامل پیش برنده تفاوت وجود دارد.

$H_0 = x_1 = x_2 = x_3$: بین عوامل بازدارنده (موانع) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود ندارد.

$H_0 = x_1 \neq x_2 \neq x_3$: بین عوامل بازدارنده (موانع) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود دارد.

چون مقدار $(F(2, 353) = 39/490; P < 0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین واریانس‌های سه گروه نمونه پژوهشی (عمومی - متخصص - فوق تخصص) از لحاظ آماری برحسب عوامل بازدارنده تفاوت وجود دارد.

$H_0 = x_1 = x_2 = x_3$: بین عوامل بازدارنده (موانع) و پیش برنده (مؤثر) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود ندارد.

$H_0 = x_1 \neq x_2 \neq x_3$: بین عوامل بازدارنده (موانع) و پیش برنده (مؤثر) فرهنگ مالیاتی پزشکان و سطح تخصص رابطه وجود دارد.

چون مقدار $(F(2, 353) = 24/609; P < 0/05)$ است، لذا فرض H_0 یا فرض صفر رد می‌شود. نتیجه می‌گیریم که بین واریانس‌های سه گروه نمونه پژوهشی (عمومی - متخصص - فوق تخصص) از لحاظ آماری برحسب عوامل بازدارنده و پیش برنده تفاوت وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در این تحقیق در سطوح مختلف متفاوت می‌باشد. تجزیه و تحلیل ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که این ضرایب در سطوح پیشرفته بالا بوده و تجزیه و تحلیل واریانس نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین‌های عوامل فرهنگ مالیاتی توصیف در سطح پیشرفت معنی‌دار می‌باشند. تجزیه و تحلیل عامل نشان می‌دهد که در سطوح مبتدی و متوسط سه عامل مجزا، ولی در سطح پیشرفته دو عامل مجزا استخراج می‌شوند. با توجه به نتایج به دست آمده نتیجه‌گیری‌ها در خصوص فرضیه تحقیق به دست آمد. از آن‌جا که سه کارکرد فرهنگ مالیاتی بین توصیف در سطوح مبتدی و متوسط به عنوان سه سازه مجزا نشان داده شده‌اند، فرضیه تحقیق در این سطوح تأیید شد. ولی از آن‌جا که در سطح پیشرفته از میان سه کارکرد تنها دو کارکرد به عنوان سازه‌های مجزا شناخته شده‌اند. تجزیه و تحلیل‌های سه‌گانه‌ای که در این تحقیق به عمل آمد به دو نتیجه مهم منجر شد: نخست این که سه کارکرد فرهنگ مالیاتی بیان توصیف در سطوح هیأت علمی مجزا هستند و باید در آموزش و آزمون توجه خاصی به آنها مبذول گردد. اما با توصیف فرآیندی و کارکردی می‌توان به طور مشابه برخورد نمود یعنی آموزش و آزمون هر یک از این دو تفاوت می‌کنند. چرا که سازه‌های فرهنگ مالیاتی آنها یکسان نیست. نتیجه دوم تحقیق این است که سطح فرهنگ مالیاتی عامل مهمی است که می‌تواند بر ماهیت فرهنگ مالیاتی تأثیرگذار باشد و تفاوت معنی‌دار در سطوح تخصص پزشکان وجود دارد.

منابع

- ۱- اوماسکاران، روش تحقیق در مدیریت، ترجمه دکتر محمد صائبی، انتشارات مرکز آموزش مدیریت - دولتی، تهران، ۱۳۸۰
- ۲- ریچارد دامبرد و ملیکا کامانگراد، جانقشر، بهبود مدیریت مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه دکتر علی اکبر عرب مازار و علی اصغر شایانی، انتشارات دانشکده امور اقتصادی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵
- ۳- فهیم یحیایی، قریبا. برآورد ظرفیت‌های بالقوه مالیاتی ایران، پایان‌نامه کارشناس ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- ۴- عرب مازار، علی اکبر. فصل‌نامه مالیات، نشریه امور اقتصادی، شماره ۸، تهران، بهار ۱۳۷۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی